

به نام خداوندی که دانه را شکافت و جان را آفرید ...

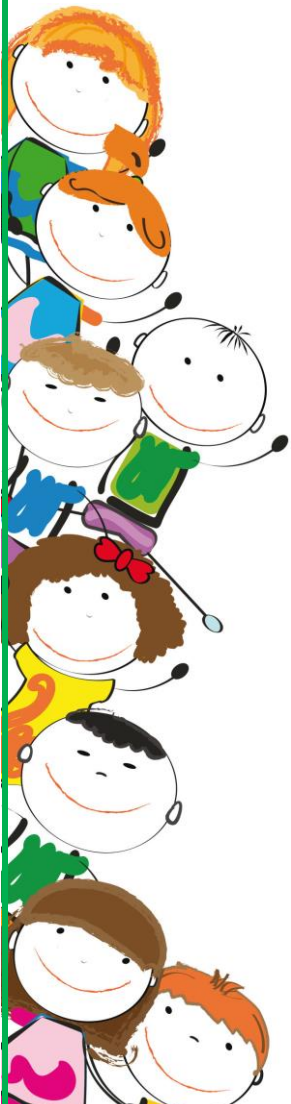
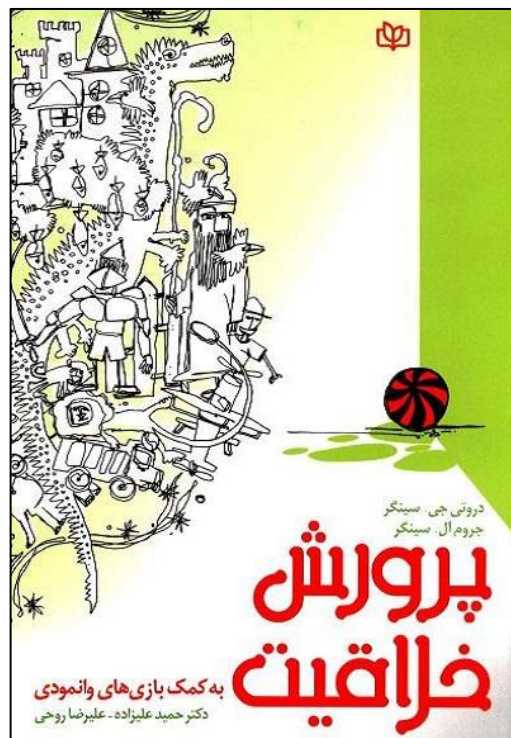
معرفی کتاب «پرورش خلاقیت به کمک بازی‌های وانمودی»؛

همراه با گزیده‌ای از فعالیت‌ها

نویسنده: دروتی جی. سینگر، جروم ال. سینگر

مترجم: حمید علی‌زاده، علی‌رضا روحی

ناشر: جوانه رشد



بازی وانمودی چیست؟

وانمود کردن يك كار جدي براي كودكان است. آنان دنياي خيالي خودشان را با هر ابزاري كه در دست داشته باشند، خلق مي كنند و نقش هاي خودشان را به طور نمايشي به اجرا در مي آورند. «فرض كن تو ... هستي» و «بيا يك بازي بكنيم كه من ... باشم» عبارات رايج بين كودكان در هنگام بازي هستند.

بازي هاي نمايشي و بازي وانمودي شباهت هاي زيادي با هم دارند. در بازي نمايشي بيشتر از وسايل وامكانات واقعي استفاده مي شود ولي در بازي وانمودي، وانمود مي شود كه مثلاً اين چوب، اسب است، سوارش مي شويم و حركت مي كنيم. در بازي وانمودي تخيل نقش مهمي دارد.

او به كمك وسايل موجود كه فقط بعضي از آنها ظاهري شبیه به نقش خود در بازي دارند، بازي را شروع مي كند و با كمك تصورات ذهني خود و تخيل اش به بازي جان مي دهد. كودك در هنگام بازي مدام ارتباط زمان و مكان را در موقعيت ها تغيير مي دهد و آینده را طراحي مي كند.

جهت دهی مناسب و هدفمند اولیا یا مربی می تواند بازی های وانمودی را به وسیله ای برای پرورش رشد شناختی و عاطفی كودك و همچنين آموزش بسياري از مهارت هاي اجتماعي تبديل كند.

فواید وانمود سازي براي كودكان:

۱- **تقویت قدرت تخيل:** تصور يعني توانايي تجسم آن چيزي كه در حال حاضر وجود ندارد با كمك آن چه در گذشته مشاهده يا تجربه شده است. مثلاً كودك وانمود مي كند كه يك تکه پارچه، دمپايی يا يك پاكِت كوچك برنج، بچه اي است كه راه مي رود، حرف مي زند و مي خندد. او برای اين كه ابزار بازي خود را فراهم كند شروع به خيال پردازی می كند. هر چه كودكان كارهاي خيالي بيشتر انجام دهند، قدرت تصور و تخيلشان بيشتر تقويت مي شود.

۲- **افزایش مهارت های کلامی:** شركت كودكان در بازي هاي نقش گذاري اجتماعي، توانايي بياني خوبي را از آنان مي طلبد و آنان را براي چيره دست شدن در استفاده از زبان تحريك مي كند. كودكان اگر مي خواهند نظريات شخصي شان در بازي گنجانده شود بايد از طريق گفتار بر همبازي هایشان تأثیر بگذارند. بنابراین كودكان در زمينه ي يادگيري بيان هر چه اثر بخش تر عقايدشان كار مي كنند.

۳- **تقویت حس همدلی و خود را در موقعیت دیگری دیدن:** ممكن است كه كودك نقش افراد متفاوتي (پدر، معلم، پزشك، آتش نشان و) را بازي مي كند. با تصور ديگران در موقعيت هاي گوناگون، كودك تلاش مي كند چيزي را كه آن فرد در آن شرايط احساس مي كند در خودش به وجود آورد و آن را بازي كند. اين همان همدلي يا احساس يكي بودن با ديگران است.



۴- یادگیری نقش‌ها در موقعیت‌های اجتماعی جدید: وقتی کودک از « من بابا هستم » به « من معلم هستم » یا « من پزشک هستم » تغییر شخصیت می‌دهد، آگاهی خود را از شخصیت‌هایی که در اطرافش قرار دارند افزایش می‌دهد و مسئولیت‌های این نقش‌ها را هم می‌آموزد و در موقعیت‌های جدید به آن عمل می‌کند. مثلاً کودکی که قبل از مدرسه «مدرسه بازی» کرده‌است، در مدرسه واقعی نمی‌ترسد و آشنایی پیشین‌اش با نقش‌های مختلفی که در مدرسه وجود دارد و اتفاقاتی که رخ می‌دهد محیط را برایش امن‌تر می‌کند.

۵- انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های جدید: بیشتر کودکان در موقعیت‌های جدید، رفتاری دارند که تابع امیال آنی و خود محوری و انعطاف‌پذیر نبودن آنان است. علت چنین رفتارهایی کم تجربه بودن کودک برای درک منطقی موقعیت جدید است. آن‌ها اغلب قابلیت پیش‌بینی این موقعیت‌ها را ندارند. موقعیت‌هایی مثل صبر کردن برای آماده شدن غذا، نوبت آرایشگاه، سالن انتظار فرودگاه و ... و انمودسازی، صحبت با خود و بازی‌های تخیلی به کودکان کمک می‌کند در مواقعی که باید انتظار بکشند، بیش‌تر بر خود مسلط باشند و عصبانی و ناراحت نشوند.

۶- شناسایی مشکلات کودک: در بازی‌های ایفای نقش می‌توان به مشکلات کودک پی برد و با کمک بازی‌هایی مناسب آن‌ها را برطرف نمود. مثلاً پسری را تصور کنید که آمادگی کمی برای رفتن به مدرسه دارد. او ممکن است در بازی، مدرسه را با زندان ترکیب کند. یا دختری که نسبت به نوزاد جدید خانواده حسادت می‌کند در بازی‌هایش، نوزاد خیالی را که گریه می‌کند به سرزنش می‌گیرد یا کتک می‌زند. می‌توان برای کودکی که مدرسه را با زندان اشتباه می‌گیرد، نوعی بازی وانمودی جدید تعریف کرد. بازی که بیش‌تر به جنبه‌های خوشایند مدرسه بپردازد و دیدگاه او را تغییر دهد. همچنین کودکی که از نوزاد جدید بیزار است با بازی در نقش خواهر یا برادر بزرگ‌تر و تلاش برای مراقبت و برطرف کردن بعضی نیازهای نوزاد می‌تواند نگرش خود را درباره‌ی نوزاد تغییر دهد.

بعضی از عناوین این کتاب در زیر آورده شده است:

حرکت و وانمودسازی

فعالیت ۱: بازی‌هایی انگشتان

فعالیت ۲: وانمودسازی انگشت (عروسک انگشتی)

فعالیت ۳: بازی‌های دست

فعالیت ۴: پاها و انگشتان

فعالیت ۵: همه‌ی من، کل بدن

زندگی و بازی با حواس

فعالیت ۱: لمس کردن

فعالیت ۲: بوییدن

فعالیت ۳: شنیدن

فعالیت ۴: دیدن

تغییرات جادویی

فعالیت ۱: آگاهی هیجانی -

عاطفی و حساسیت

فعالیت ۲: تغییر شکل دادن

نقش‌هایی برای بازی

بازی‌های محلی

محیط‌هایی برای بازی‌های

وانمودی



حرکت و وانمودسازی

وانمودسازی انگشت (عروسک انگشتی)

۱- ساخت عروسک‌های انگشتی:

وسایل لازم: دستکش‌های کهنه، ماژیک، خرده‌های پارچه و تکه‌های کاغذ، کاغذ سفید و رنگی، نوار پارچه‌ای برای ساختن عروسک انگشتی، انگشت‌های دستکش‌های کهنه را ببرید و با ماژیک و دیگر وسایل روی آن‌ها صورت انسان یا حیوان نقاشی کنید. از ماژیک برای کشیدن اجزایی مثل چشم، بینی، دهان، مو یا پشم، سبیل و لباس استفاده کنید. همچنین می‌توانید نوار، نخ چسبی، کاغذ رنگی، تکه‌های پارچه، روبان و دیگر وسایلی که برای کودکان بدون خطرند، بکار ببرید. این عروسک‌ها را می‌توان با کاغذ یا نوار و به اندازه‌ی انگشت کودک درست کرد. عروسک‌های متعددی درست کنید و به کودکان کمک بدهید نمایش‌های شاد اجرا کنند. برای اجرای نمایش عروسکی ابتدا روش کار را به آنان بیاموزید، سپس بگذارید با قدرت تخیل خودشان نمایش را ادامه دهند.

تذکره: شخصیت‌های عروسکی بسازید که در تجربیات روزمره‌ی کودکان وجود داشته باشند؛ مثل مأمور پلیس، آتش‌نشان، پست‌چی، راننده‌ی اتوبوس، دکتر، کفاش، یا صندوق‌دار سوپرمارکت. حتی با عروسک‌ها می‌توانید نقش انواع سبزی‌ها و میوه‌ها را ایفا کنید. برای مثال، درباره‌ی چیزهایی که رشد می‌کنند مثل هویج، سیب درختی، موز و سیب زمینی بازی بسازید. کودکان می‌توانند بازی‌های عروسکی سبزی‌ها و میوه‌ها را انجام دهند و بگویند محصول هر یک از آن‌ها را چگونه برداشت می‌کنند، و با کامیون به بازار می‌برند، چطور آن‌ها را می‌خرند، داخل کیسه‌ها می‌گذارند، به خانه می‌آورند، می‌شویند و در نهایت اصل مطلب یعنی چطور آن‌ها را می‌خورند. و چون این نوعی بازی وانمودسازی و تجسمی است می‌توانند بارها با عروسک‌های دست نخورده و سالم خود بازی را تکرار کنند.

۲- نمایش موش و گربه:

شخصیت‌ها: عروسک انگشتی گربه، عروسک انگشتی موش
گربه به خواب می‌رود (انگشت مورد نظر خم می‌شود و می‌خوابد)
موش کوچکی سر می‌رسد (عروسک موش در دست دیگر است) و می‌گوید: «آه، حالا هر چقدر می‌خواهم می‌توانم بازی کنم، گربه خواب است».
عروسک گربه خرناس می‌کشد.
موش کوچولو یک دفعه به عطسه می‌افتد.
گربه بیدار می‌شود و می‌گوید: «کی اونجاست؟ آها، یه موش کوچولوی چاق و چله! الآن میام می‌خورم»
موش کوچولو فرار می‌کند (انگشت به پشت سر شما حرکت می‌کند)
گربه می‌گوید: «خوب حالا کسی اون جا نیست، دوباره می‌شود خوابید.»



۱- انگشتان انبری:

چند شیء کوچک را روی زمین بگذارید. از کودک بخواهید تصور کند انگشتان پایش انبر کوچکی است و سعی کند اشیاء را فقط با انگشتان پایش بردارد. این کار ساده‌ای نیست اما خنده و شادی بسیاری همراه دارد. کودکان با تمرین کردن به سرعت یاد می‌گیرند اشیاء و چیزهایی که خودشان می‌خواهند با کمک شست پا بردارند. این بازی را هر زمانی بخواهید می‌توانید در خانه انجام دهید.

(پیشنهاد: در صورتی که چند کودک حضور داشته باشند می‌توانید این بازی را به صورت امدادی انجام دهید؛ به این صورت که بچه‌ها با فاصله‌های معینی کنار هم و روی زمین می‌نشینند و بعد از آخرین نفر جعبه‌ای گذاشته شده است. بچه‌ها باید اشیاء را از طریق پا به یکدیگر تحویل دهند تا در نهایت آخرین نفر آن شیء را به داخل جعبه بگذارد. چنانچه تعداد بچه‌ها زیاد باشد این بازی را می‌توان به صورت مسابقه بین گروهی انجام داد.)

۲- پرنده‌های روی سیم:

همراه با کودکان بزرگ‌تر تصور کنید پرنده هستید و روی خط صاف یا سیم لی لی می‌کنید. خط باید آن قدر بلند باشد تا همزمان چند کودک بتوانند روی آن بایستند. ترانه هم بخوانید؛ سپس کودکان باید از روی سیم پایین بپرند و در اتاق پراکنده شوند. آنگاه برگردند و دوباره شروع کنند.

۳- بیان احساسات به کمک پاها:

از کودکان بخواهید کفش هایشان را درآورند و بکوشند هیجان خود را با راه رفتن نشان دهند. برای مثال:

- سریع راه رفتن در اتاق نشانه‌ی ناتوانی در انتظار کشیدن، عجله، اشتیاق
- کشیدن پاها و آهسته راه رفتن بیانگر خستگی و ناراحتی
- کوبیدن پا بر زمین و بالا پریدن نشانه‌ی عصبانیت، ناامیدی
- راه رفتن روی پنجه‌ی پا و جست و خیز کردن نشانه‌ی خوشحالی و هیجان
- آهسته راه رفتن روی پنجه‌ی پا و قدم‌های کوچک نشانه‌ی دقت
- پس و پیش رفتن بیانگر نداشتن اطمینان: «نمی‌دانم»، «باید یا نباید»

(پیشنهاد: از بچه‌های مختلف بخواهیم با حالت خاصی راه بروند؛ حال از یک نفر می‌پرسیم کدام کودک عصبانی است؟ خوشحال است؟)

پانتومیم با استفاده از حالت پاها)

همه‌ی من، کل بدن

ثابت شده است ورزش‌های جسمانی از بسیاری جهات برای کودکان مفید است. شرکت در بعضی بازی‌ها آنان را به انجام فعالیت‌های بدنی تشویق می‌کند. یکی از بازی‌های محبوب آن‌ها تقلید کردن از افراد و اشیاء است:

۱- نرمش بدنی:

^۱ پیشنهادات توسط تهیه‌کننده‌ی این متن نوشته شده است.



این تمرین‌های ساده ترکیبی از کشیدن بدن، خم شدن و حرکات دیگر به همراه بازی‌های تخیلی است که برای پرورش ذهن و جسم به کار می‌روند. کودکان را دور خودتان جمع کنید طوری که فضا برای حرکت آزادانه شما از بین آنان کافی باشد. دستوره‌های زیر و هر راهنمایی دیگری که به نظرتان ضروری می‌آید به آنان بگویید.

خم شوید و ۱۰ ریگ از زمین بردارید و سلام کنید.

(در حالی که انگشتان پایتان را لمس می‌کنید) خم شوید، ۱۰ برگ کوچک بردارید و بعد آن‌ها را فوت کنید.

بدنتان را بالا بکشید تا به ستاره‌ها برسید؛ اگر می‌توانید یکی از آن‌ها را بگیرید.

مثل خرگوش‌ها روی یک پا لی لی کنید.

مثل کانگوروها بپرید، بپرید، بپرید.

روی زمین دراز بکشید، پاهایتان را بالا بیاورید و آن تکه ابر را با پا جابه‌جا کنید.

بپرید بروید فروشگاه، چند سیب بخرید، دوباره بپرید بروید خانه.

به پشت روی زمین دراز بکشید و به دوچرخه‌تان یا بنزید.

زندگی و بازی با حواس

لمس کردن

۱- تصور کن کجا هستی: (فعالیت مناسب جهت آموزش سرما، گرما، نحوه‌ی رویارویی با هر کدام)

به کودک یک قطعه یخ بدهید تا سرمای آن را حس کند. از او بخواهید درباره‌ی موقعیت‌هایی که احساس سرما می‌کند فکر کند؛ مثل:

هوای برفی، زمستان بیرون از خانه، نزدیک دستگاه تهویه هوا، در قطب شمال، روی کوه یخ، جلوی یخچالی که درش باز است، در زمین اسکیت، داخل جریان آبی که از برف کوه سرچشمه گرفته است.

سپس هر بار بخواهید به جاهایی که می‌تواند برود تا دوباره گرم شود فکر کند:

نزدیک بخاری، در ساحلی آفتابی، نزدیک اجاق گاز، زیر لحاف، نزدیک شوفاژ، نزدیک لباس خشک کن، زیر آفتاب، یا پوشیدن لباس گرم.

در مرحله‌ی بعد جاهای خیلی گرم را تصور کند:

کویر و بیابان، نزدیک آتش، تابستان داخل ماشینی که زیر آفتاب مانده، در مناطق استوایی، درون اجاق گاز و ...

سرانجام بخواهید درباره‌ی جاهایی که می‌تواند برود یا کارهایی که می‌تواند بکند تا دوباره خنک شود صحبت کند:

شنا در دریا و استخر یا رودخانه، ایستادن جلوی پنکه، ایستادن نزدیک پنجره‌ای که از آن نسیم خنکی می‌وزد، نوشیدن نوشیدنی سرد، شستن صورت با آب سرد یا پارچه‌ی خیس، راه رفتن با پای برهنه روی چمن خیس.

(پیشنهادات:

فرض کن که زمستان است و با دمپایی به حیاط رفته‌ای. چه حسی داری؟ چی کار می‌کنی؟

فرض کن تابستان است و در اتاق پنکه یا کولر نداری؛ چه حسی داری؟ چی کار می‌کنی؟

تا حالا در زمستان دست دوستت را که از بیرون آمده، گرفته‌ای؟ (به او دست داده‌ای؟)



تا حالا پاهایت از سرما قرمز شده اند؟ لپه‌هایت چطور؟

عکس‌هایی به کودک نشان بدهید که کودک باید احساس‌های بچه‌ها را بگوید (کدام بچه سردش است؟ کدام بچه گرمش است؟) و چرا؟ و این‌که هر بچه نیاز به چه چیزی دارد و باید چی کار کنیم؟

بازی در موقعیت: دوستت وارد اتاق می‌شود، با توجه به حال و احوالش نوشیدنی داغ یا سرد برایش تهیه کن. در مورد عکس‌ها هم همین‌طور. زمستان است و آدم برفی درست کرده‌ای. حس کسی که دستش در برف بوده، چیه؟

بوییدن

برای بسیاری از افراد حس بویایی به شدت با حافظه پیوند دارد. نوزاد، فقط به قویترین بوها پاسخ می‌دهد اما خردسالان می‌توانند تفاوت‌های جزئی بین بوها را یاد بگیرند و به آن‌ها واکنش نشان دهند. وقتی کودک نوپا چیز خوشمزه، تلخ، شیرین یا نامطبوع را می‌بوید حالات چهره‌ی او را مشاهده کنید. وقتی با کودکان مواد را بو می‌کنید، این تجربه را با توضیح دادن (تند، ترش، معطر و...)، خواندن یا گفتن داستان درباره‌ی بوها، ماندگارتر کنید. از او بپرسید که از آن بو یاد چه چیزی (یا چه خاطره‌ای) می‌افتد.

همچنین می‌توانید با آن‌ها درباره‌ی ساختمان بینی و چگونگی عملکرد حس بویایی (پیاز بویایی) صحبت کنید.

۱ - آموختن از راه بوییدن:

موقع گشت‌وگذار با کودکان توجه آنان را به بوهای اطراف جلب کنید. در فروشگاه تره‌بار رایحه‌ی میوه‌ها و سبزی‌های فصل مثل پرتقال، شیرین بیان، رازیانه، گل کلم، سیب زمینی، موز، پیاز، تربچه و هلو را استنشاق کنید. سبزی‌های خشک هم به کودک نشان دهید و از او بپرسید از بوی ریحان به یاد چه چیزی می‌افتد. ممکن است بتوانید در خوار و بار فروشی پنیر، ادویه‌ها و انواع چای را بویید. با گردش در پارک مواد جدیدی برای جعبه‌ی بویایی جستجو کنید؛ مثل برگ‌های خشک شده، کمی خاک خیس، میوه یا گل. می‌توان یک فعالیت برای مقابله با نشت گاز برای این قسمت ترتیب داد.

تغییرات جادویی

آگاهی هیجانی - عاطفی و حساسیت

کودکان خردسال در مرحله‌ی یادگیری نحوه‌ی بیان احساسات به وسیله‌ی حالات بدن هستند. رشد این مرحله کند و بعضی اوقات دشوار است. برای کودک فهمیدن این‌که خنده علامت رضایت ماما یا باباست یا اخم به معنای چیزی بسیار متفاوت است خیلی سخت نیست اما مرحله‌ی بعد یعنی نشان دادن حساسیت به احساسات دیگران که اساس همدلی است، مشکل است. همدلی برای رشد عاطفی ضرورت دارد. وقتی بتوانیم مسائل را از دیدگاه دیگران ببینیم، در نتیجه می‌توانیم درباره‌ی راه‌های مصالحه با دیگران گفت و گو کنیم. دیگران را ببخشیم و در غم و شادی آنان شریک شویم.

تحقیقات نشان داده آموزش بازی‌های وانمودی در رشد آگاهی کودکان از حالات روحی دیگران بسیار تأثیر دارد. به کمک بازی‌هایی که در این جا توضیح داده‌ایم کودکان تجربه‌هایی را می‌آموزند که برای انتقال و مبادله‌ی زبان پر رمز و راز غیر کلامی احساسات و عواطف به آن‌ها نیاز دارند.



۱- نشان دادن هیجان‌ها با حالات صورت:

قبل از این که کودکان یاد بگیرند چگونه نقش بازی کنند، تعدادی عکس برای تقلید حالات هیجانی تهیه کنید. در این بازی کودکان حالت چند هیجان اصلی مثل شادی، غم، عصبانیت، تعجب یا تنفر را تقلید می‌کنند. ابتدا خودتان هیجانی را با حالت چهره نشان دهید و سپس از کودک بخواهید آن را تقلید کند:

به من نگاه کن! چهره‌ات را خندان کن! (به وضوح بخندید و دور چشمانتان چین و چروک ایجاد کنید) چهره‌ات را خندان کن! (باز هم بخندید).

عکس‌العمل مناسب به تلاش‌های کودک بسیار مهم است. می‌توانید تفسیر مناسب یا پیشنهاد رفتار لازم این کار را انجام دهید:

بین وقتی من غمگین هستم چطور لب‌هایم پایین می‌آیند. تو هم می‌توانی لب‌هایت را مثل من پایین بیاوری؟... آها! آفرین! الان غمگین به نظر می‌رسی.

می‌توان حالاتی از جمله تشنگی، گرسنگی، خستگی و خواب‌آلودگی را نیز نشان داد.

کودک با تماشای حالت شاد بودن، غمگین بودن یا عصبانی بودن و تقلید حالات چهره‌ی شما نحوه‌ی تشخیص احساسات اطرافیانش را یاد می‌گیرد. سپس کودک با نگاه کردن به خود در آینه سعی می‌کند حالت صورت شما را تقلید کند و ببیند که چقدر به حالات شما شباهت دارد. حتی می‌توانید تصاویر خودش یا عکس‌های مجله یا کتاب‌های داستان درباره‌ی کودکان را به او نشان دهید و بخواهید احساس‌های شخصیت داستان را نشان دهد.

۲- نشانم بده:

با توصیف کردن یک موقعیت معین از کودک بخواهید احساسی را که در آن موقعیت دارد، نشان دهد:

- بگو چه موقعی صورتت خندان است؟ فکر می‌کنی اگر جوجه اردکی را در دست بگیري خوشحال می‌شوی؟ حالت چهره‌ات را به من نشان بده.

- اگر پدر بزرگ بی‌خبر به دیدن شما بیاید (در را باز می‌کنی می‌بینی پدر بزرگ آمده) چه قیافه‌ای خواهی داشت؟ چهره‌ی متعجب یا (خوشحال) را به من نشان بده.

- وقتی هوا بارانی است و نمی‌توانی برای بازی بیرون بروی چه قیافه‌ای داری؟ چهره‌ی غمگین را نشان بده.

- تصور کن بهترین دوستت اسباب‌بازی مورد علاقه‌ات را بشکند و تو عصبانی بشوی؛ چهره‌ی عصبانی را نشان بده. حالا دوباره با او آشتی کن و او را در آغوش بگیر. قیافه‌ی خندان را نشان بده.

- تصور کن گربه‌ی خیلی کثیفی وارد اتاق شود. قیافه‌ی ناخوشایند از خودت نشان بده.

از آینه استفاده کنید تا کودکان هر احساسی را که تقلید می‌کنند، حالات چهره‌ی خودشان را در آن ببینند. اگر کودکی در نشان دادن احساسی ناتوان بود آن حالت را خودتان نشان دهید و از او بخواهید از شما تقلید کند. اگر به همین ترتیب ادامه دهید کودکان خلاق می‌شوند، خیلی زود داستان‌هایی می‌سازند و حالات روحی را که در آن‌ها اتفاق می‌افتد، با حالت چهره‌ی خود نشان می‌دهند.

۳- سبد کلاه‌ها: (فعالیت مناسب جهت: آشنایی با مشاغل مختلف و فعالیت هر کدام)

تعدادی کلاه را که هر یک فعالیتی را تداعی می‌کنند، در سبدی جمع کنید. می‌توان کلاه پرستاران، بازی‌کنان بسکتبال، افسران پلیس، آتش‌نشانان، مأموران قطار، راننده‌های کامیون، ملوانان، نقاشان ساختمانی، کشاورزان، باغبانان و ... را تهیه کرد. حالا به کودکان اجازه دهید به نوبت یکی از کلاه‌ها را انتخاب کنند و بپوشند. وقتی کلاه را پوشیدند به آنان کمک کنید نقش شخصیت مربوط به کلاه را بازی کنند.



به نظر می‌رسد با پوشیدن هر کلاه، شخصیت کودک عوض می‌شود. بنابراین وقتی دانیال کلاه راننده ی کامیون را می‌پوشد نباید او را با اسم واقعی اش صدا کنید چرا که او جواب نمی‌دهد. این تمرین به کودک کمک می‌کند نقش شخصیت‌های گوناگون را بازی کند و تصور کس دیگری بودن را تجربه کند.

- **کلاه باغبانی:** در این مورد کودک می‌تواند آب‌پاش خیالی را پر کند، روی گل‌های خیالی بپاشد، بعضی از آن‌ها را بچیند، بو کند، به شکل دسته‌گلی زیبا مرتب کند و به یک دوست هدیه بدهد.

- **کلاه آتش‌نشان:** به کودک بگویید: «کلاهت را بپوش، بوی دود به مشام می‌رسد، آژیر خطر را به صدا درآور! ماشین آتش‌نشانی می‌آید» (از خودتان صدای آژیر ماشین آتش‌نشانی درآورید)
«آتش‌نشان شیلنگ را بردار! دارد می‌سوزد! اعضای خانواده را نجات بده! همه خارج شدند؟ آب را بپاش! حالا آتش دارد خاموش می‌شود، زنده باد! هورا.»

- **کلاه ملوانی:** ملوان روی عرشه‌ی کشتی است. کشتی را امواج به این طرف و آن طرف تکان می‌دهند. ملوان نهنگی می‌بیند. کشتی دیگری را نیز می‌بیند. او با دوربینش همه جا را نگاه می‌کند. (کف دستانش را به شکل لوله جلوی دو چشم می‌گیرد) او خشکی را می‌بیند. «خشکی! لنگرها را ببیندازید و به ساحل بروید.»

- **کلاه مامان:** «صبح است. مامان از خواب بیدار می‌شود، لباس می‌پوشد، صبحانه می‌خورد، کلاهش را می‌پوشد و خداحافظی می‌کند. سپس با ماشین سر کار می‌رود.» کودک روی صندلی یا مبلی می‌نشیند، تجسم و وانمود می‌کند خودش دارد سر کار می‌رود. از کودکان بخواهید درباره‌ی مناظر آشنایی که در مسیر می‌بینند صحبت کنند. «مامان در مسیر رفتن سر کار چه چیزهایی می‌بیند؟ آها نگاه کنید! یک مدرسه! بچه‌هایی را که در حیاط مدرسه بازی می‌کنند، می‌بینید؟»

بهبتر است نقش مادر کامل تصور شود. مثلاً مادر از خواب بیدار می‌شود. به خواهر کوچک تر صبحانه می‌دهد او را به مدرسه می‌برد و بعد به محل کارش می‌رود.
همین بازی را با کلاه بابا هم انجام دهید.

این بازی فرصت مناسبی است که پسران و دختران در موقعیت‌های مشابه متعددی شرکت کنند؛ مثلاً دختران آتش‌نشان و پسرها پرستار شوند.

کلاه آمبولانس و پلیس هم می‌تواند برای یک فعالیت امدادی استفاده شود.

پیشنهاد: کتاب «بچه‌ها غافلگیر نشوید» (به خصوص جلد یک - نوشته‌ی لیندا شوایتزر - انتشارات فنی ایران) موقعیت‌های پر خطر و تصمیم‌گیری و انتخاب عکس العمل مناسب در آن شرایط را مطرح می‌کند. می‌توان از موقعیت‌های این کتاب به عنوان طرح بازی‌های وانمودی برای مقاطع چهارم و پنجم ابتدایی و موقعیت‌های ساده تر برای سنین پایین‌تر استفاده کرد.

بازی‌های محلی

کودکان دوست دارند درباره‌ی مردم و جامعه‌ی خود بیشتر بدانند. تجربه‌های روزمره در فروشگاه، اداره‌ی پست، رستوران و کتابخانه گنجینه‌ی با ارزشی برای یادگیری کودکان پیش دبستانی است. علاوه بر این، بسیاری از جاهایی که مردم با آن‌جا سر و کار ندارند مثل اداره‌ی آتش‌نشانی، باغ وحش یا اداره‌ی پلیس مکان‌های مناسبی برای یادگیری آنان است.



به منظور آماده کردن کودکان برای بازی‌های محلی، بازدیدهایی از رستوران و اداره پست و جاهای دیگر ترتیب دهید تا آنان بزرگسالان را در موقعیت‌های واقعی و در حال انجام کارهایی ببینند که قرار است خودشان تقلید کنند. به همین علت والدین باید تا جایی که ممکن است هر گاه از خانه بیرون می‌روند کودکانشان را با خود همراه ببرند.

برای شروع این بازی‌ها، درباره‌ی تجربه‌ای که کودکان در بازی خواهند داشت با آنان صحبت کنید. برای آنان درباره‌ی مردم و توالی حوادثی که در رفتن به رستوران، پست کردن نامه در اداره پست، دیدن مشخصات کتاب‌های کتابخانه یا خریدن خوار و بار وجود دارد را توضیح دهید. از آنان پرسید از نقش‌هایی که در گردش‌های علمی دیده‌اند چه چیزی به یاد می‌آورند. کارمند اداره پست، نانوا و پیشخدمت رستوران چه کاری انجام می‌دادند و چه می‌گفتند؟ مأمور آتش‌نشانی، افسر پلیس و کارگر فروشگاه چه چیزی پوشیده بودند؟ کتابدار یا مأمور باغ وحش با چه وسایلی کار می‌کردند؟ بر اساس پاسخ‌های کودکان و پاسخ‌های تکمیلی خودتان مقدمات بازی را فراهم کنید و به آنان در تهیه‌ی لباس‌ها و وسایل لازم کمک بدهید.

۱- اداره پست:

وسایل لازم: چند جعبه کفش یا کارتن‌های مشابه، تمبر، پاکت نامه‌ی استفاده شده، نامه‌های بی‌استفاده، جعبه‌های قدیمی، کارت پستال‌های قدیمی، ترازوی واقعی یا ساختگی، جعبه‌ی مقوایی شیاردار، کیسه‌ی پستی (مثل کیف خرید یا کوله پشتی)، نقشه (واقعی یا دست‌ساز) شرح بازی:

اداره پست را روی میز بزرگی تشکیل دهید. پاکت نامه‌ها و تمبرها را روی میز بگذارید و جعبه‌ی بزرگ شیاردار را برای پست کردن نامه در جای مناسبی قرار دهید. جعبه‌های درباز (جعبه‌های کفش برای این کار مناسب است) را برای دسته‌بندی نامه‌ها، مجله‌های قدیمی و کارت‌پستال‌ها که به منزله‌ی نامه‌های کودکان است، روی میز بگذارید و نقشه‌های محلی، استانی یا کشوری را روی دیوار آویزان کنید. کودکی که نقش کارمند پست را بازی می‌کند پشت میز می‌ایستد، تمبر می‌فروشد و نامه‌ها را داخل جعبه‌ها بسته‌بندی می‌کند. مشتری‌ها به اداره پست می‌آیند تا تمبر بخرند و نامه‌ها و بسته‌های خود را پست کنند. والدین و مربیان برای شروع بازی می‌توانند مراحل خرید تمبر، وزن کردن نامه یا بسته، چسباندن تمبر روی آن‌ها و انداختن نامه در جعبه‌ی پستی از داخل شیار مخصوص را برای کودکان نمایش دهند. به نقشه‌ها رجوع کنید و درباره‌ی این‌که با توجه به مسافت چقدر طول می‌کشد تا نامه یا بسته‌ای به مقصد برسد، صحبت کنید. بازی را با اضافه کردن تحویل نامه به گیرنده‌ها، گسترش دهید. اداره پست را ببندید. کودکان به خانه می‌روند (هر یک در مبل، نیمکت یا گوشه‌ای از اتاق جای می‌گیرند) آن‌گاه پستی نامه‌ها را به شکل بسته‌بندی شده داخل کیفی که حکم کیسه‌ی پستی را دارد می‌گذارد و آن‌ها را به آدرس‌هایشان تحویل می‌دهد. همه‌ی بچه‌ها نامه دریافت می‌کنند. دقت کنید که همه‌ی آن‌ها فرصتی برای ایفای نقش کارمند پست یا پستی داشته باشند.

محیط‌هایی برای بازی‌های وانمودی

وجود مکانی دنج به کودک کمک می‌کند آرام بگیرد و بازی مناسب و مورد علاقه‌ی خود را در فضایی امن و مطمئن انجام دهد. در این‌جا نمونه‌هایی از این فضاها آورده شده است. هر قسمت از اتاق بازی را می‌توان مثلاً با گذاشتن یک خط با نوار رنگی روی زمین، جدا کرد و به کار خاصی اختصاص داد. از آن‌جایی که گوشه‌های اتاق برای این منظور بسیار کارآمد است آن‌ها را کنج‌های ویژه می‌نامیم. کنج‌هایی که ایجاد می‌کنید باید بر اساس علاقه‌ی کودکان‌تان باشند.



۱- کنج خانه:

بیشتر کودکان «خانه بازی» را دوست دارند. بیشتر وسایل این بازی، وسایل معمولی بی مصرف خانه است. از جعبه‌های مقوایی می‌توان اجاق گاز، یخچال، میز و صندلی و دیگر وسایل را درست کرد؛ با پهن کردن لحاف روی زمین به همراه بالش و پتو می‌توان تختخواب درست کرد. برس کوچک یا بزرگ گردگیری، خاک انداز بی مصرف و پارچه‌های مستعمل در «بازی نظافت» کاربرد دارد. لوازمی که باید خریداری شود و موجب شادی کودکان می‌شود عبارت‌اند از: سرویس چایخوری و آشپزی اسباب‌بازی، تلفن اسباب‌بازی و ... در مجموع، وسایل لازم برای «خانه بازی» را می‌توان در وسایل بی مصرف کتوهای، کابینت آشپزخانه و کمدها هم پیدا کرد.

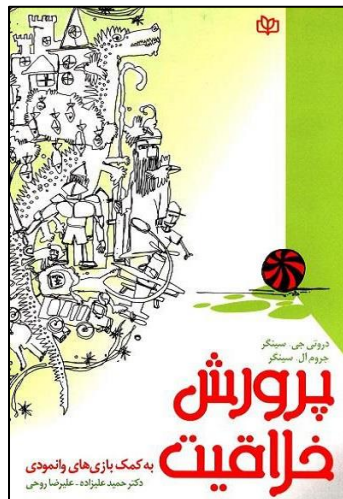
در بازی‌های وانمودسازی می‌توان از خانه‌های عروسکی هم استفاده کرد. اگر دو طرف و بالای آن‌ها باز باشد کودک می‌تواند به راحتی، وسایلی را که برای بازی برمی‌گزیند، جابه‌جا کند. اگر دیوارها تزیین نشده باشد، کودک می‌تواند با کشیدن نقاشی روی کارت‌ها و چسباندن آن‌ها بر روی دیوارها این کار را انجام دهد.

۲- کنج مخفی‌گاه:

کودکان مخفی‌گاه‌های پوشیده را بسیار دوست دارند. کارتن بزرگ یخچال یا اجاق گاز یا ... برای این منظور بسیار مناسب است. یک طرف آن را ببندید و در گوشه‌ای بخوابانید طوری که طرف باز آن به طرف اتاق باشد. فالیچه‌ای در آن پهن کنید و چراغ قوه‌ای را برای آن تهیه کنید. این مکان‌ها زمینه را برای آن دسته بازی‌های وانمودی فراهم می‌کند که در آن‌ها فضاهایی همچون غار، کلبه‌ی برفی، قلعه، چادر و از این قبیل وجود داشته باشد.

۳- کنج کتابخانه:

محیط ویژه‌ی دیگر کتابخانه با چند کتاب مناسب در قفسه است. کتابخانه را می‌توان با مخفی‌گاه یکی کرد، در این صورت باید قفسه‌ی کتاب را در مخفی‌گاه گذاشت. با بودن روشنایی کافی در این مکان، جایگاه راحتی برای نشستن و دیدن کتاب‌ها مهیا می‌شود.



منبع: پرورش خلاقیت به کمک بازی‌های وانمودی؛ دروتی جی. سینگر، جروم ال. سینگر؛ حمید علی‌زاده، علی‌رضا روحی؛ انتشارات جوانه رشد